



احکام و فضایل ماه مبارک رمضان

جایگاه روزه در اسلام

روزه در اسلام از جایگاه والایی برخوردار است، به طوری که یکی از ارکان پنجگانه اسلام را تشکیل می‌دهد و زمینه ساز متقی گشتن انسان می‌شود که تقوی خود شامل تمام خصلت‌های نیک و پسندیده می‌باشد و درهای رحمت و برکت خداوند جلّ را بر انسان باز می‌کند، همان‌طور که خداوند ﷻ می‌فرماید:

﴿ وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ ﴾ الاعراف/۹۶

یعنی: اگر اهل این آبادی‌ها ایمان می‌آوردند و پرهیزگاری را پیشه می‌کردند؛ درهای خیر و برکت آسمان و زمین را بر آن‌ها باز می‌کردیم.

خداوند ﷻ در حدیث قدسی در مورد ارزش و جایگاه روزه فرموده است: «كُلُّ عَمَلٍ ابْنِ آدَمَ لَهُ إِلَّا الصِّيَامَ؛ فَإِنَّهُ لِي وَ أَنَا أَجْزَىٰ بِهِ. وَ الصِّيَامُ جُنَّةٌ؛ فَإِذَا كَانَ يَوْمٌ صَوْمٍ أَحَدِكُمْ فَلَا يَرْفُثُ وَ لَا يَصْنَبُ؛ فَإِنْ سَابَّهُ أَحَدٌ أَوْ قَاتَلَهُ؛ فَلْيَقُلْ إِنِّي صَائِمٌ. وَ الَّذِي نَفْسُ مُحَمَّدٍ بِيَدِهِ لَخُلُوفٌ فَمِ الصَّائِمِ أَطْيَبُ عِنْدَ اللَّهِ مِنْ رِيحِ الْمُسْكِ. لِلصَّائِمِ فَرْحَتَانِ يَفْرَحُهُمَا: إِذَا أَفْطَرَ فَرِحَ بِفِطْرِهِ؛ وَ إِذَا لَقِيَ رَبَّهُ فَرِحَ بِصَوْمِهِ» صحیح مسلم حدیث شماره (۲۱۶۳)

یعنی: «تمام اعمال آدمیان برای خودشان است؛ مگر روزه که برای من است و من خود پاداش آن را می‌دهم و روزه سپری است [که انسان را در مقابل دوزخ و یا گناهان حفظ می‌کند] پس اگر روزه بودید؛ سخن زشت و ناسزا نگوئید و آوازتان را بلند نکنید و اگر کسی شما را دشنام داد یا با شما جنگید به او بگوئید: من روزه‌ام. قسم به خدایی که جان محمد در دست اوست، بوی دهان روزه‌دار نزد خداوند از بوی مشک خوشبوتر است. برای روزه‌دار دو وقت شادی وجود دارد: یکی هنگام افطار و دیگری زمانی که پروردگارش را ملاقات می‌کند.»

ریاض‌الصالحین، ترجمه عبدالله خاموش هروی، ص ۷۱۱-۷۰۹، متفق علیه

نبی اکرم ﷺ می‌فرماید:

«إِنَّ فِي الْجَنَّةِ بَابًا يُقَالُ لَهُ الرِّيَانُ يَدْخُلُ مِنْهُ الصَّائِمُونَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ. لَا يَدْخُلُ مِنْهُ أَحَدٌ غَيْرُهُمْ. يُقَالُ: أَيْنَ الصَّائِمُونَ؟ فَيَقُومُونَ لَا يَدْخُلُ مِنْهُ أَحَدٌ غَيْرُهُمْ، فَإِذَا دَخَلُوا أُغْلِقَ فَلَمْ يَدْخُلْ مِنْهُ أَحَدٌ».

متفق علیه ریاض‌الصالحین، ترجمه‌ی عبد الله خاموش هروی، ص ۷۱۱-۷۰۹،

یعنی: «در بهشت دری است که «ریان» نام دارد و در روز قیامت تنها روزه داران از آن وارد بهشت می‌شوند و به‌جز آنها کسی وارد نمی‌شود. گفته می‌شود: روزه‌داران کجایند؟ روزه‌داران می‌ایستند و به جز آن‌ها کسی از آن وارد نمی‌شود؛ وقتی که آنان وارد شدند، در بسته می‌شود و دیگر کسی از آن وارد نمی‌شود». و همچنان رسول الله ﷺ مهربانی کرده :

«مَنْ صَامَ رَمَضَانَ إِيمَانًا وَاحْتِسَابًا غُفِرَ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ» رواه البخاري حديث شماره (۳۷)

یعنی: هر کس رمضان را از روی ایمان و به امید دریافت اجر و ثواب روزه بگیرد؛ گناهان گذشته او مورد مغفرت قرار می‌گیرند .

در حدیثی از عبدالله بن عمر رضی عنهما وارد شده که می‌فرماید: از رسول خدا ﷺ شنیدم که فرمود: «بنی الإسلام علی خمس شهادة أن لا إله إلا الله وأن محمدا رسول الله وإقام الصلاة وإيتاء الزكاة وحج البيت وصوم رمضان». متفق علیه .

ترجمه: «اسلام بر پنج چیز بنا شده است؛ شهادت به اینکه هیچ الهی جز خداوند یگانه نیست و محمد ﷺ پیامبر و فرستاده اوست؛ بر پا داشتن نماز؛ دادن زکات؛ و حج خانه خداوند ﷻ و روزه ماه رمضان»

بنابراین روزه رمضان از باب عرف و فرهنگ و عادات و تقالید یک مجتمع نیست بلکه عبادتی است که خداوند ﷻ آن را بر امت اسلامی فرض گردانیده است.

امام غزالی رحمه الله در کتاب خود احیاء علوم الدین ج: ۱ ص: ۵۰۵ طبع شرکت انتشارات علمی و فرهنگی در مورد چنین فرموده است: بدان که روزه ربع ایمان است بدانچه پیامبر ﷺ فرموده است: الصوم نصف الصبر و در حدیث دیگری گفته است : الصبر نصف الايمان .

فرضیت روزه ماه مبارک رمضان:

اولا در مورد تاریخ فرضیت روزه باید بگویم که روزه ماه مبارک رمضان در ماه شعبان سال دوم هجری فرض گردید و خداوند ﷻ خطاب به مؤمنان فرمود:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ﴾ بقره/۱۸۳

یعنی: ای مؤمنان روزه بر شما فرض شده است همان‌طوری که بر پیشینیان شما فرض بوده است تا شاید پرهیزگار شوید.

حکمت تاخیر در فرضیت روزه

روزه در واقع بعد از گذشت حدود چهارده سال از رسالت پیامبر اکرم ﷺ فرض گردید؛ به طوری که پیامبر ﷺ بعد از آن فقط نه بار رمضان را روزه گرفتند و بعد از آن به دیار باقی شتافتند.

استاد ابوالحسن ندوی هم در کتاب خود الارکان الاربعة ص: ۲۰۶ در مورد علت این تأخیر گفته است: فلسفه تأخیر وجوب روزه به واسطه دوره رسالت محمد ﷺ به این خاطر بوده است که تصور نشود روزه یک امر اضطراری و ناشی از محیط مکه و وضعیت بد مسلمانان در آنجا است و فقط به مستمندان و بینوایان و رنج دیدگان اختصاص دارد و ثروتمندان و صاحبان املاک و باغها نیازی به روزه و روزه داری ندارند.

شرایط روزه

روزه دارای سه گونه شرایط می باشد:

۱) شرایط وجوب

۲) شرایط اداء

۳) رانط صحت

۱ شرایط وجوب روزه:

اسلام: مسلمان بودن برکافر روزه فرض نیست.

بلوغ: رسیدن به سن تکلیف برکودک نابالغ روزه فرض نیست.

عقل: صاحب عقل بودن بردیوانه روزه فرض نیست.

الدلیل علی ماقلنا:

درمراقی الفلاح طبع المكتبة العصرية ج: ۱ ص: ۲۳۸ چنین آمده: (وهو) أي صوم رمضان (فرض) عین (أداء وقضاء علی من اجتمع فيه أربعة أشياء) هي شروط لافتراضته والخطاب به وتسمى شروط وجوب أحدها (الإسلام) لأنه شرط للخطاب بفروع الشريعة (و) ثانيها (العقل) إذ لا خطاب بدونه (و) ثالثها (البلوغ) إذ لا تكليف إلا به (درکتاب البحر الرائق طبع دار المعرفة ج: ۲ ص: ۲۶۷ چنین نوشته: (وَشَرَائِطُهُ ثَلَاثَةٌ شَرْطُ وُجُوبٍ وَهُوَ الْإِسْلَامُ وَالْبُلُوغُ وَالْعَقْلُ كَذَا فِي النَّهَائِيَةِ وَفَتْحُ الْقَدِيرِ)

در شرح فتح القدير طبع دار الفكر ج: ۲ ص: ۳۰۲ چنین فرموده: (وشرط وجوبه الإسلام والبلوغ والعقل)

۲ شرایط اداء روزه:

اقامت: اداء روزه ماه مبارک رمضان برکسی فرض می گردد که مقیم باشد پس ادای آن برمسافر شرعی فرض نیست.

سلامت جسمی: اداء آن برکسی فرض می گردد که سالم و تندرست باشد اداء آن بر بیمار به اینطور بیماری که طاقت گرفتن روزه را بالکلیه نداشته باشد و یا به گرفتن روزه خوف هلاکت جاننش باشد و یا هم باعث ازدیاد مرض گردد فرض نیست.

الدليل على ماقلنا:

در کتاب مراقی الفلاح طبع المكتبة العصرية ج: ۱ ص: ۲۳۸ چنین آمده: (ويشترط لوجوب أدائه) الذي هو عبارة عن تفرغ الذمة في وقته (الصحة من مرض) لقوله تعالى فمن كان منكم مريضا الآية (و) (الصحة أي الخلو عن (حيض ونفاس) لما قدمناه (ولإقامة) لما تلوناه (ويشترط لصحة أدائه) أي فعله ليكون أعم من الأداء والقضاء (ثلاثة) شرائط (النية) في وقتها في كل يوم (والخلو عما ينافيه) أي ينافي صحة فعله (من حيض ونفاس) لما فاتهما (و) (الخلو) عما يفسده (بطروئه عليه)

۳ شرائط صحت روزه:

پاک بودن از حیض و نفاس . ادای آن بر زن در صورتی فرض می گردد که از حیض و نفاس پاک باشد پس اداء آن بر زن حائضه و نفسا فرض نیست .

نیت کردن روزه ماه مبارک رمضان.

والدليل على ماقلنا:

در البحر الرائق طبع دار المعرفة كتاب الصوم ج: ۲ ص: ۲۷۷ چنین آمده :

(وَالثَّلَاثُ شَرْطٌ صِحَّتِهِ هُوَ الْإِسْلَامُ وَالطَّهَارَةُ عَنِ الْحَيْضِ وَالتَّفَاسِ وَالنِّيَّةُ)

در البحر الرائق طبع دار المعرفة كتاب الصوم ج: ۲ ص: ۲۷۹ چنین آمده: (وَاشْتُرِطَتْ النِّيَّةُ لِتَمْيِيزِ الْعِبَادَةِ عَنِ الْعَادَةِ)

احكام متفرقه روزه:

احكام روزه كهن سالان ؛ مريضان ؛ مسافران و زنان

۱ پير مردان و پير زنان:

دين مبين اسلام به انسانهای سالخورده که بالکليه توانائی روزه گرفتن را ندارند اجازه داده روزه نگيرند و فديه بپردازند و در بدل هر روز به يك نفر مسكين را غذا بدهند.

خداوند ﷻ مي فرمايد: (وَعَلَى الَّذِينَ يُطِيقُونَهُ فِدْيَةٌ طَعَامُ مِسْكِينٍ) بقره/۱۸۴

«و بر کسانی که گرفتن روزه برای آنها مشکل و سخت است و توان آن را ندارند واجب است فديه بدهند که (عبارت است از) غذا دادن در عوض خوردن هر روزه به يك مسكين در وقت صبح و شام و يا تقريبا دو كيلو گندم در بدل هر روز و يا قيمت آن».

الدلائل

عن ابن عمر رضي الله عنهما عن النبي ﷺ في الــــذي يموت وعليه رمضان ولم يقضه، قال: يطعم عنه لكل يوم نصف صاع من بر. (السنن الكبرى للبيهقي، الصيام، باب من قال إذ فرط في القضاء بعد الإمكان حتى مات، : ۶ / ۳۹۹، الرقم: ۸۳۱۰).

يعطي لكل صلاة نصف صاع من بر كالفطرة، وكذا حكم الوتر والصوم. (الدر المختار مع الرد: ٢ / ٧٢، سعدييه).
قال العلامة الشامي: أي: أو من دقيقه أو سويقه أو صاع تمر أو زبيب أو شعير أو قيمته، وهي أفضل عندنا لإسراعها لسد
حاجة الفقراء. (رد المحتار: ٢ / ٧٣، سعدييه).

وجاز دفع القيمة في زكاة وعشر وخراج وفطرة ونذر وكفارة غير الإعتاق وتعتبر القيمة يوم
الوجوب. (الدر المختار مع الرد: ٣: ٢٥٠، سعدييه).

چنانچه در احكام القرآن للجصاص طبع دارالاحياء التراث العربي ج: ١ ص: ٢١٨ چنین تصريح گردیده: (قال أبو
حنيفة وأبو يوسف ومحمد وزفر الشيخ الكبير الذي لا يطيق الصيام يفطر ويطعم عنه كل يوم نصف صاع من حنطة
ولا شيء عليه غير ذلك)

٢ بیمار:

در صورتیکه داکتر ماهر و دیندار توصیه به افطار کند و بگوید برایش که جزبه افطار کردن از بیماریش جور
نمی شود بلکه خوف هلاکت و یا از دیار مرض می باشد پس در این صورت میتواند افطار کند و هنگامی که
بهبود یافت آن ایام را قضا آورد. و کفاره بر او لازم نیست و اگر با وجود بیماری روزه گرفت روزه او صحیح می
باشد».

دلیل به آنچه گفته شد:

چنانچه خداوند ﷻ می فرماید: ﴿فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ مَرِيضًا أَوْ عَلَى سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِنْ أَيَّامٍ أُخَرَ﴾ بقره: ١٨٤

در کتاب الهدایه ج: ١ ص: ٢٠٣ طبع امیر حمزه کتب خانه کانسی رود کویته چنین آمده است: (ومن كان مريضا في
رمضان فخاف ان صام ازداد مرضه افطرو وقضى)

اما بیماری که امید بهبودی و شفا ندارد یعنی مریض به مرض موت می باشد روزه نگیرد و بجای هر روز از
روزه رمضان به يك نفر مسکین غذا بدهد و بر چنین شخصی لازم نیست که قضای روزه را بگیرد.

٣ مسافر:

خداوند به شخص مسافر اجازه داده که روزه نگیرد تا به مشقت دچار نشود ولی اگر شخص مسافر روزه گرفت روزه
اش صحیح و بهتر است.

دلیل بر آنچه گفته شد:

چنانچه خداوند ﷻ فرموده: ﴿أَيَّامًا مَعْدُودَاتٍ فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ مَرِيضًا أَوْ عَلَى سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِنْ أَيَّامٍ أُخَرَ﴾ سوره بقره/ ١٨٤

در احكام القرآن للجصاص دارالاحياء التراث العربي ج: ١ ص: ٢٦٥ چنین آمده: (وقد ثبت عن النبي ﷺ بالخبر
المستفيض الموجب للعلم بأنه صام في السفر وثبت عنه أيضا إباحة الصوم في السفر منه حديث هشام بن عروة عن أبيه عن عائشة أن
حمزة بن عمرو الأسلمي قال لرسول الله ﷺ أصوم في السفر فقال ﷺ إن شئت فصم وإن شئت فأفطر)

همچنان در کتاب البدائع الصنائع طبع دارالکتاب العربی ج: ۲ ص: ۹۵ چنین آمده است: وَلَنَا مَا رُوِيَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ صَامَ فِي السَّفَرِ وَرُوِيَ أَنَّهُ أَفْطَرَ وَكَذَا رُوِيَ عَنِ الصَّحَابَةِ أَنَّهُمْ صَامُوا فِي السَّفَرِ وَرُوِيَ أَنَّهُمْ أَفْطَرُوا حَتَّى رُوِيَ أَنَّ عَلِيًّا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَهْلًا هَلَالَ رَمَضَانَ وَهُوَ يَسِيرُ إِلَى نَهْرٍ وَأَنْ فَاصْبَحَ صَائِمًا وَلِأَنَّ اللَّهَ تَعَالَى جَعَلَ الْمَرَضَ وَالسَّفَرَ مِنَ الْأَعْدَاءِ الْمُرَخِّصَةِ لِلْإِفْطَارِ تَيْسِيرًا وَتَخْفِيفًا عَلَى أَرْبَابِهَا وَتَوْسِيْعًا عَلَيْهِمْ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى { يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ }

در کتاب الهدایه ج: ۱ ص: ۲۰۳ طبع امیرحمزه کتب خانه کانسی رود کویته چنین آمده است:
(وان كان مسافر الايستضر بالصوم فصومه افضل وان افطر جاز)

۴ زنان باردار و شیرده :

زن باردار و شیرده در حکم روزه چار حالت دارد:

۱. در صورتیکه هیچ نوع زیانی در اثر روزه داری به خود او و فرزندش نرسد لازم است روزه بگیرد و رخصت در ترک آن برایش نیست.
۲. هرگاه زیان متوجه خود زن شود ولی جنین و یا طفلش متضرر نشوند حق افطار را دارد و بالایش در صورت خوردن قضاء لازم می آید.
۳. زمانی که در اثر روزه داری طفل و یا جنین زیان ببینند حق افطار را دارد و در این صورت بالایش فقط قضاء لازم می آید نه کفاره .
۴. در اثر روزه گرفتن هر دو جانب (زن ؛ طفل و یا جنین) زیان مند شوند نیز حق افطار را دارند و صرف قضا لازم می آید.

و الدلیل علی ذلك :

در احکام القرآن للجصاص دارالاحیاء التراث العربی باب الحامل والمرضع: ۱ ص: ۲۲۳ چنین آمده: (قال أبو حنیفة وأبو یوسف ومحمد وزفر والثوری والحسن بن حی وإذا خافتا علی ولدیهما أو علی أنفسهما فإنهما تفتران وتقضیان ولا كفارة علیهما)

امام الشیبانی رحمه الله در المبسوط طبع إدارة القرآن والعلوم الإسلامیة کراچی ج: ۳ ص: ۲۴۵ چنین تصریح نموده: (قلت رأیت المرأة الحامل والمرضع التي تخاف علی الصبی أو الحامل تخاف علی نفسها قال یفتران ويقضیان یوما مکان کل یوم ولا كفارة علیهما)

همچنان در النتف فی الفتاوی طبع موسسه دارالرسالة بیروت ج: ۱ ص: ۱۴۷ چنین آمده: (والثالث الحامل اذا خافت علی حملها تفترو والرابع المرضعة اذا خافت علی ولدها ولا تقدر ان تسترضع لولدها ظنرا)

۵ خانم هایی که در عادت ماهوار یا نفاس هستند:

بانوانی که برایشان عادت ماهوار پیش می شود برایشان لازم است که روزه نگیرند و بعد از رمضان قضا نمایند.
دلیل بر آنچه گفته شد:

در الاختيار طبع دارالكتب العلمية ج: ۱ص: ۳ چنین آمده: (وهو يسقط عن الحائض الصلاة أصلاً ، ويحرم عليها الصوم فتفضيه) لقول عائشة : كن النساء على عهد رسول الله ﷺ يقضين الصوم ولا يقضين الصلاة ' ولأن الصلاة تتكرر في كل شهر وكل يوم فتخرج في القضاء ، والصوم في السنة مرة فلا حرج

۶ سن بلوغ دختران وپسران:

سن تکلیف در اسلام بر اساس بلوغ تعیین شده است، یعنی وقتی نشانه های بلوغ (حداقل این علامت ها، احتلام که منی ببیند و یا یک زن را حامله بسازد برای پسران و حیض خون حامله و یا احتلام برای دختران است) حاصل شود، شخص به سن تکلیف می رسد. و غیر از نشانه های طبیعی، معیار سنی هم برای بلوغ پسران و دختران، در نظر گرفته شده است. پس اگر دختر یا پسر نشانه های طبیعی بلوغ را نداشتند و به سنی که در شرع برای تکلیف آنان مشخص شده است، برسند، باید همانند یک مکلف، به وظایف شرعی خود عمل کنند. بنابراین؛ سن بلوغ دختران را و پسران بر مذهب احناف زادهم الله مجددا بنا به قول راجح ۱۵ سالگی می باشد اگر دختری حیض ببیند یا حامله شود و یا پسری احتلام شود بنا بر همه مذاهب بالغ شده است، اگرچه مثلاً به سنی برای شروع تکلیف دختر و پسر ذکر کرده اند نرسیده باشند.

دلیل بر آنچه گفته شد:

چنانچه در در الحکام شرح مجلة الاحکام طبع دارالکتب العلمیة بیروت لبنان ج: ۲ص: ۶۳۳ آمده:
(الاحتلام كما يكون للرجال علامة للبلوغ يكون للنساء كذلك , لكن كما يختص الإحبال بالرجال يختص الحيض بالإناث)

در العنایة شرح الهدایة ج: ۶ص: ۹۹ چنین آمده :

«بلوغ الغلام بالاحتلام والاحبال والانزال) والاصل هو الانزال (والجارية بالاحتلام والحيض والحبل) ولم يذكر الانزال صريحا لانه قلما يعلم منها (فإن لم يوجد فيهما) شئ (فحتى يتم لكل منهما خمس عشرة سنة، به يفتى) لقصر أعمار أهل زماننا»

هنچنان در الدرالمختار طبع دارالفکر ج: ۵ص: ۴۴۸ طبع دارالفکر عبارت چنین است:

(وَكَذَا الَّتِي بَلَغَتْ بِالسِّنِّ) أَي خَمْسَ عَشْرَةَ سَنَةً «

در در الحکام شرح مجلة الاحکام ج: ۲ص: ۹۸۵ طبع دارالکتب العلمیة چنین ذکر است :

« سِنَّ الْبُلُوغِ , أَي مَنْ أَتَمَّ خَمْسَ عَشْرَةَ سَنَةً مِنْ عُمُرِهِ وَلَمْ تَظْهَرْ عَلَيْهِ آثَارُ الْبُلُوغِ يُعَدُّ بِالْعَاقِبَةِ حَكْمًا , يَعْنِي إِذَا أَكْمَلَ الْغُلَامُ أَوْ الْبِنْتُ الْخَامِسَةَ عَشْرَةَ يَلْزَمُ الْحُكْمَ بِكُوْنِهِمَا بِالْعَيْنِ وَلَوْ لَمْ يَظْهَرْ عَلَيْهِمَا أَثَرٌ مِنْ آثَارِ الْبُلُوغِ (عَلَيَّ أَفْنَدِي) ; لِأَنَّ ظُهُورَ عَلَامَةِ الْبُلُوغِ فِي هَذِهِ السِّنِّ هُوَ الْعَالِبُ الشَّائِعُ , وَعَلَيْهِ فَكَمَا أَنَّ مَنْ تَظْهَرُ عَلَيْهِ عَلَامَةُ الْبُلُوغِ يُعَدُّ بِالْعَاقِبَةِ بِمُقْتَضَى الْمَادَّةِ (۹۸۵) كَذَلِكَ يُعَدُّ بِالْعَاقِبَةِ مَنْ أَدْرَكَ مُنْتَهَى سِنِّ الْبُلُوغِ وَلَمْ تَظْهَرُ عَلَيْهِ عَلَامَةُ الْبُلُوغِ « « قُلْتُ : وَهُوَ مُمَكِّنٌ بِالْحَبْلِ أَوْ الْإِحْبَالِ أَوْ سِنَّ الْبُلُوغِ أَوْ رُؤْيَا الدَّمِّ أَوْ الْمَنِيِّ «

و نیز در حاشیة الطحطاوی علی مراقی الفلاح طبع دارالکتب العلمیة ج: ۱ص: ۹۶ چنین آمده:

(قوله (ولمن بلغ بالسن) احترز به عن بلوغ الصبي بالإحتلام والإحبال والإنزال وعن بلوغ الصبية بالإحتلام والحيض والحبل فإنه لا بد من الغسل فيها قوله (وهو خمس عشرة سنة على المفتي به)

همچنان در مجمع الانهر في شرح ملتقي الابحر طبع دارالكتب العلمية ج: ٤ ص: ٦١ چنین آمده:

« وعندهما والأئمة الثلاثة إذا تم خمس عشرة سنة فيهما أي في الغلام والجارية وهو رواية عن الإمام وبه يفتى »
در الفتاوي الهندية طبع دار الفكر ج: ٥ ص: ٦١ چنین آمده است:

(بُلُوغُ الْعُلَامِ بِالْإِحْتِلَامِ أَوْ الْإِحْبَالِ أَوْ الْإِنْزَالِ وَالْجَارِيَةِ بِالْإِحْتِلَامِ أَوْ الْحَيْضِ أَوْ الْحَبْلِ كَذَا فِي الْمُخْتَارِ وَالسِّنُّ الَّذِي يُحْكَمُ بِبُلُوغِ الْعُلَامِ وَالْجَارِيَةِ إِذَا انْتَهَيَا إِلَيْهِ خَمْسَ عَشْرَةَ سَنَةً عِنْدَ أَبِي يُوسُفَ وَمُحَمَّدٍ رَجَمَهُمَا اللَّهُ تَعَالَى وَهُوَ رَوَايَةٌ عَنْ أَبِي حَنِيفَةَ رَجَمَهُ اللَّهُ تَعَالَى وَعَلَيْهِ الْفَتْوَى)

بعض مسائل ضروری متعلق به روزه ماه مبارک رمضان

١ زن حامله اگر خون ببیند آن خون حیض نیست و آن دم استحاضه میباشد و مانع گرفتن روزه نمی شود.

دلیل بر آنچه گفته شد:

در الدر المختار ١: ٢٠٩ عبارت چنین آمده :

(وماتراه الصغيرة دون التسع..... وحامل ولوقبل خروج اكثر الولد استحاضة)

همچنان در همان مرجع ١: ٢١٨ آمده :

(و دم الاستحاضة حکمه کر عاف دائم وقتا كاملا لا يمنع صوما وصلاة)

٢ استعمال پیچکاری روزه را فاسد نمی کند برابر است که در رگ باشد و یا در گوشت

بخاطریکه توسط پیچکاری از طریق مسامات دواء داخل بدن می شود نه به طریق منافذ از این جهت

که در مابین دست پا و شکم کدام منفذی وجود ندارد.

الدلیل علی ذلك:

صرح بهذا الاصل فی الهندية ١: ٢٠٣:

(وما يدخل من مسام البدن من الدهن لا يفطر هكذا في شرح المجمع)

٣ بوکردن دواء در حالت روزه روزه را فاسد نمی سازد بخاطریکه ذرات دوا بذیعه بوکردن داخل

بدن نمی شود .

الدلیل علی ما قلنا:

قال العلامة ابن عابدين ١٠٦: ٢: (وَإِنْ وَجَدَ طَعْمَهُ فِي حَلْقِهِ) أَي طَعْمَ الْكُحْلِ أَوْ الدُّهْنِ كَمَا فِي السِّرَاجِ وَكَذَا لَوْ بَرَقَ فَوَجَدَ لَوْنَهُ فِي الْأَصْحِ بَحْرًا قَالَ فِي النَّهْرِ ؛ لِأَنَّ الْمَوْجُودَ فِي حَلْقِهِ أَثَرٌ دَاخِلٌ مِنَ الْمَسَامِ الَّذِي هُوَ خَلْلُ الْبَدَنِ وَالْمُفْطِرُ إِنَّمَا هُوَ الدَّاخِلُ مِنَ الْمَنَافِذِ لِلتَّفَاقُ)

وفي الهندية: ٢٠٣: ١: (وَلَوْ أَقْطَرَ شَيْئًا مِنَ الدَّوَاءِ فِي عَيْنِهِ لَا يُفْطِرُ صَوْمَهُ عِنْدَنَا وَإِنْ وَجَدَ طَعْمَهُ فِي حَلْقِهِ وَإِذَا بَرَقَ

فَرَأَى أَثَرَ الْكُحْلِ وَلَوْنَهُ فِي بُرَاقِهِ عَامَّةُ الْمَشَايخِ عَلَى أَنَّهُ لَا يُفْسِدُ صَوْمَهُ كَذَا فِي الذَّخِيرَةِ وَهُوَ الْأَصْحُ)

۴ بوس کنار در ماه مبارک رمضان اگر طرفین زن و شوهر از وقوع جماع مامون باشند روزه را فاسد

نمی سازد.

دلیل بر آنچه گفته شد:

چنانچه در فتاوی عالمگیری ۲۰۴: ۱ آمده:

(وَإِذَا نَظَرَ إِلَى امْرَأَةٍ بِشَهْوَةٍ فِي وَجْهَهَا أَوْ فَرْجِهَا كَرَّرَ النَّظَرَ أَوْ لَا لَا يُفْطِرُ إِذَا أَنْزَلَ كَذَا فِي فَتْحِ الْقَدِيرِ)

قال العلامة ابن عابدين ۱۰۳: ۲ (أَمَّا الْإِنْزَالُ بِمَسِّ أَوْ تَقْبِيلِ بَهِيمَةٍ فَإِنَّهُ لَمْ يُوجَدْ فِيهِ شَيْءٌ مِنْ مَعْنَى الْجَمَاعِ فَصَارَ كَالْإِنْزَالِ بِنَظَرٍ أَوْ تَفَكُّرٍ فَلِذَا لَمْ يَفْسُدِ الصَّوْمُ إِجْمَاعًا)

۵ در مورد افطار روزه مشهوره داکتری که باتجربه و دیندار باشد ضروری است.

الدلیل علی ذلك:

قال العلامة ابن عابدين ۲۲۶: ۲ (قَوْلُهُ طَبِيبٌ حَازِقٌ مُسْتَوِرٌ) وَقِيلَ عَدَّالْتُهُ شَرْطٌ وَجَزَمَ بِهِ الزَّيْلَعِيُّ وَظَاهِرٌ مَا فِي الْبَحْرِ وَالنَّهْرِ ضَعْفُهُ قُلْتُ: وَإِذَا أَخَذَ بِقَوْلِ طَبِيبٍ لَيْسَ فِيهِ هَذِهِ الشَّرُوطُ وَأَفْطَرَ فَالظَّاهِرُ لُزُومُ الْكُفَّارَةِ كَمَا لَوْ أَفْطَرَ بِدُونِ أَمَارَةٍ وَلَا تَجْرِبَةٍ لِعَدَمِ غَلْبَةِ الظَّنِّ وَالنَّاسُ عَنْهُ غَافِلُونَ)

۶ از استعمال نمودن سکر در روز ماه مبارک رمضان بالای روزه دار علاوه از قضاء کفاره نیز

لازم می گردد.

دلیل بر آنچه گفته شد:

قال العلامة ابن عابدين رحمه الله في كتابه ردالمحتار ۲: ۱۰۶: (قَوْلُهُ: أَنَّهُ لَوْ أَدْخَلَ حَلْفَهُ الدُّخَانَ) أَيُّ بَأْيٍ صُورَةٍ كَانَ الْإِدْخَالَ، حَتَّى لَوْ تَبَخَّرَ بِبُخُورٍ وَأَوَاهُ إِلَى نَفْسِهِ وَاشْتَمَّهُ ذَاكِرًا لِصَوْمِهِ أَفْطَرَ لِإِمْكَانِ التَّحَرُّزِ عَنْهُ وَهَذَا مِمَّا يَغْفَلُ عَنْهُ كَثِيرٌ مِنَ النَّاسِ، وَلَا يُتَوَهَّمُ أَنَّهُ كَشَمِّ الْوَرْدِ وَمَائِهِ وَالْمَسْكَ لِيُضَوِّحَ الْفَرْقَ بَيْنَ هَوَاءِ تَطْيَبِ بَرِيحِ الْمَسْكَ وَشِبْهِهِ وَبَيْنَ جَوْهَرِ دُخَانٍ وَصَلَ إِلَى جَوْفِهِ بِفِعْلِهِ إِمْدَادٌ وَبِهِ عَلِمَ حُكْمُ شُرْبِ الدُّخَانِ وَنَظْمَةُ الشُّرْبِ لِلْبَلَايِ فِي شَرْحِهِ عَلَى الْوُهْبَانِيَّةِ بِقَوْلِهِ: وَيُمْنَعُ مِنْ بَيْعِ الدُّخَانِ وَشُرْبِهِ وَشَارِبُهُ فِي الصَّوْمِ لَا شَكَّ يُفْطِرُ وَيَلْزَمُهُ التَّكْفِيرُ لَوْ ظَنَّ نَافِعًا كَذَا دَافِعًا شَهَوَاتِ بَطْنٍ فَقَرَّرُوا).

۷ انتهای سحرکه بعد از آن امساک از مفطرات ضروری پنداشته شده همانا دمیدن شفق صبح است و آن

انتشار روشنی در کنار آسمان بطور افقی میباشد و آنرا صبح صادق نیز می گویند که روزه از آن

لحظه ها آغاز میگردد.

دلیل بر آنچه گفته شد:

چنانچه در حاشیه الطهطاوی علی مراقی الفلاح ۱/ ۴۱۹ آمده: (قوله (النهار ضد الليل) قال في الشرح النهار عبارة عن زمان ممتد من طلوع الفجر الصادق إلى غروب الشمس وهو قول أصحاب الفقه واللغة)

همچنان در فتاوی شامی ۳۱۵/۷ چنین آمده: (قَوْلُهُ: وَهُوَ الْيَوْمُ) أَيُّ الْيَوْمِ الشَّرْعِيُّ مِنْ طُلُوعِ الْفَجْرِ إِلَى الْغُرُوبِ، وَهَلِ الْمُرَادُ أَوَّلَ زَمَانِ الطُّلُوعِ أَوْ انْتِشَارِ الضُّوءِ؟ فِيهِ خِلَافٌ كَالْخِلَافِ فِي الصَّلَاةِ وَالْأَوَّلُ أَحْوْطُ وَالثَّانِي أَوْسَعُ).

در تنوير الابصار مع الدرر جين آمده: (من) أول (طلوع الفجر الثاني) وهو البياض المنتشر المستطير لا
المستطير (إلى) قبيل (طلوع ذكاء) بالضم غير منصرف اسم الشمس (قوله: وهو البياض الخ) لحديث مسلم
والترمذي واللفظ له «لا يمنعكم من سحوركم أدان بلال ولا الفجر المستطير ولكن الفجر المستطير» " فالمعبر
الفجر الصادق وهو الفجر المستطير في الأفق: أي الذي ينتشر ضوءه في أطراف السماء لا الكاذب وهو المستطير
الذي يبدو طويلاً في السماء كدنب السرحان أي الدنب ثم يعقبه ظلمة". (١ / ٣٥٩)

٨ كشيدين دندان در روز ماه مبارك رمضان برای روزه دار در صورت درد شديد وبه وجود آمدن تكليف
درست است ودر غير آن مكروه می باشد ولی روزه دار كوشش كند كه خون داخل حلقش نشود در صورت داخل شدن
خون در حلق روزه دار روزه اش فاسد می گردد.
الدليل على ذلك:

چنانچه در فتاوی شامی ٢/ ٤٣٦ آمده (ومن هذا يعلم حكم من قلع ضرسه في رمضان ودخل الدم إلى جوفه في النهار
ولو نائماً فيجب عليه القضاء، إلا أن يفرق بعدم إمكان التحرز عنه فيكون كالقئ الذي عاد بنفسه). فقط والله اعلم
مراجعی كه در ترتیب این فتوی از آن استفاده صورت گرفته :

١. قرانكريم
٢. صحيح البخارى
٣. صحيح المسم
٤. ردالمحتار
٥. الفتاوى الهندية
٦. البدائع الصنائع
٧. المبسوط لشيباني
٨. البحر الرائق
٩. مراقى الفلاح
١٠. حاشيه الطهطاوى على مراقى الفلاح
١١. العناية شرح الهداية
١٢. الهدايه
١٣. درر الحكام شرح مجلة الاحكام
١٤. الاختيار
١٥. الدر المختار
١٦. احكام القران للجصاص
١٧. احياء علوم الدين
١٨. النتف في الفتاوى
١٩. مجمع الانهر في شرح ملتقى الابحر

بدرالفتاوى فى فقه الحنفى	. ٢٠
فتاوى حقانيه	. ٢١
احسن الفتاوى	. ٢٢
فتاوى دارالعلوم زكريا	٢٣

ترتيب کننده : دوست محمد(منيب)